

« آقای سیدعلی کبیر مکارکنان
مجموعه حقوقی منت گذاشته یادداشتهای
شخصی خود را از نظر خوانندگان میگذرانند
برای روشن ساختن تاریخچه دادگستری
این یادداشتهای نهایت نافع و جالب است »

تاریخچه دادگستری

سال ۱۳۲۴ قمری مطابق ۱۲۸۵

محل وزارت عدلیه

وزارت عدلیه ابتدا بنام دیوانخانه عدلیه در عمارت بهارستان از سنوات قبل
دائر بوده بعد از واقعه تحصن اهالی در سفارت انگلیس و اعطای مجلس عدالتخانه در
سال ۱۳۲۴ قمری در طهران شروع با انتخاب نمایندگان صنفی گردیده . برای انجام
انتخابات عمارت معروف باطاق نظام واقعه در ارك مقابل عمارت دربار تعیین گردید
بعد از خاتمه انتخابات برای افتتاح مجلس تبدیل مکان داده شد باین ترتیب که وزارت
عدلیه از عمارت بهارستان منتقل بعمارت اطاق نظام شده در مجلس شورای ملی در
عمارت بهارستان تشکیل گردید .

عمارت اطاق نظام دو قسمت بود .
قسمت اول محوطه بزرگی بود متصل بخیابان دربار و یکدستگاه عمارت دو
طبقه در وسط آن ساخته شده و بلحاظ آنکه مورد احتیاج دیوانخانه عدلیه نبود مدرسه
سیاسی در آنجا دائر گردیده بود .

قسمت دوم عمارت يك طبقه است که اطاقهایی در اطراف حیاط ساخته شده
در این قسمت فقط چهار اطاق مفروش و مورد احتیاج دیوانخانه و بقیه خالی و غیر
مسکون بود . اطاقهای مفروش از اینقرار است :

يك اطاق محل جلوس وزیر عدلیه

يك اطاق بنام اطاق تحقیق

يك اطاق بنام اجراء

يك اطاق نهارخوری

تشیکلات

وزارت عدلیه باسم دیوانخانه عدلیه نامیده میشود .
 وزیر عدلیه مرحوم میرزا احمد خان مشیرالسلطنه آذربایجانی .
 معاون وزارت عدلیه که صدر دیوانخانه نامیده میشود مرحوم میرزا شفیع
 صدرالممالک .

اعضاء وزارت عدلیه که امنای دیوانخانه نامیده میشدند . مرحوم خانباباخان
 مستشار عدلیه مرحوم حسین امین العداله - مرحوم مشکوةالممالک - مرحوم
 اشراق السلطنه - عدالت السلطنه - رکن الممالک - مرحوم امین دیوان - مرحوم محمد
 حسن میرزا - برهان السلطنه .

منشیان مخصوص وزیر عدلیه . سید مهدی دبیرالعداله - مرحوم محمد قلی
 معتمدالعداله - عباس انتظام السلطان .

نبات ها و دفتر داران . مرحوم قوامالعداله رئیس نبات ها ابراهیم مؤبد دفتر
 سید علی کمبیر - ناظم الوزاره - نظام السادات - بصیرالعداله - میرزا تقی خان
 حاج مدیر همایون - منصورالوزاره - رفعت السلطان - ظهیرالممالک .
 در یک اطاق که بنام اطاق تحقیق بود . مرحوم جلال السلطان ربیب مرحوم
 مشیرالسلطنه ریاست داشت .

در یک اطاق که اجراء نامیده میشود . اعزازالدوله برادرزاده مرحوم مشیرالسلطنه
 رئیس بوده منتظم دربار با یک دسته فراش مأمور اجرائیات وزارت عدلیه بودند .

ترتیب رسیدگی و اوقات کار

وزارت عدلیه در هفته سه روز تشکیلی میگردید و آنها موقوف به آمدن وزیر
 عدلیه بود .

در ایام مقرر . شنبه - دوشنبه - چهارشنبه . وزیر عدلیه موقعی که از کالسکه
 پیاده میشد از بیرون عمارت جمعی از فراشان و منتظم دربار رئیس آنها جلوی وزیر

افتاده تا نزد يك در ب اطاق میآمدند، وزیر عدلیه در آستانه در ب اطاق کفش های خود را کنده وارد اطاق وزارت شده در قالیچه مخصوص خود جلوس میگردد صدر دیوانخانه پهلوی او نشسته منشیان مخصوص وزارت هم در مقابل وزیر نشسته قلمدانهای خود را زمین گذارده بر حسب دستور مشغول تحریرات میشدند.

هر مدعی که تظلمی داشت مطالب خود را کتباً نوشته تقدیم وزیر عدلیه یا صدر دیوانخانه مینمود.

اگر قضیه مهم و طرفین یا یکی از اصحاب دعوی از متنفذین و محل ملاحظه بودند مقرر میگردد که حضوراً بدعوی آنان رسیدگی میشود و سایر دعاوی یا باطاق تحقیق و یا بیکی از امنای عدلیه ارجاع میگردد.

اگر مدعی علیه دارای عنوانی بود رقعہ و مراسله برای او نوشته میشد که برای رسیدگی خود یا وکیلش حاضر شود و اگر از افراد عادی بود بمنتظم دربار گفته میشد که فلان شخص را حاضر نماید او هم یکی از فراش هارا دنبال مدعی علیه فرستاده که او را بیاورد.

بعد از حضور خود یا وکیل طرفین اگر دعوی را باید وزیر عدلیه رسیدگی نماید طرفین یا وکلای آنها در حضور وزیر عدلیه نشسته اظهارات خود را شفاهاً نموده بالاخره وزیر عدلیه یا خود حکم میداد و یا ارجاع بمحضر شرع مینمود.

و چنانچه دعوی ارجاع بیکی از امنای عدلیه میگردد او مجبور نبود که در وزارت عدلیه بدعوی رسیدگی کند بلکه بیشتر از دعاوی در منازل آنها رسیدگی میگردد یا قضیه را ارجاع بمحضر شرع میکردند و یا جریان و نتیجه رسیدگی را بوزیر عدلیه کتباً راپورت میدادند و هر چه دستور داده میشد طبق همان عمل میگردد احکام بر طبق قانون شرع (قانون مدنی) صادر میگردد ولی در بیع شرط بر حسب دستور و فرمان ناصرالدین شاه فقط حکم برد وجه یا فروش مبیع میشد.

احکام صادره اعم از آنکه از دیوانخانه حکم صادر شده بود و یا از محاضر شرع حکم داده بودند باجرا دستور داده میشد که بموقع اجرا بگذارند رئیس اجراءم

بوسیله همان فراشها احکام را مجری میداشتند ولی اگر محکوم علیهم از متنفذین و ارباب مناصب بودند اجرای حکم درباره آنها مشکل و بلکه ابدأ اجری نمیگردید. حوزه اختیارات دیوانخانه همان طهران بود و اگر مدعی علیه در ولایات ساکن و مقیم بود شرحی بحکام نوشته میشد که رسیدگی نموده اگر طرف مقرر است گرفته بدهید و اگر منکر است ارجاع بمحضر شرع نمائید.

در طهران غیر از دیوانخانه عدلیه مراجع دیگری هم برای رسیدگی بدعاوی بود و عموماً کارها در نزد حکام فیصله پیدا میکرد.

امور جزائی اصلاً بدیوانخانه ارجاع نمیشد.

هفته سه روز که دیوانخانه تشکیل میگردد معمولاً ناموقع ظهر هر کس بکاریکه باو محول شده بود رسیدگی میکرد موقع ظهر وزیر باطاق نهار خوری رفته و کلیه اعضاء و اجزاء هم بهمان اطاق آمده صرف غذا میگردد.

سفره در روی زمین پهن و غذاها تماماً ایرانی و با دست تناول میگردد بعد از صرف غذا و برخاستن از سر سفره و شستن دست با آب گرم و صابون هر کس باطاق خود رفته تقریباً يك ساعت نشسته پس از صرف چائی و استعمال دخانیات و اکثر غلیان بود بمجردیکه وزیر عدلیه حرکت میکرد کلیه اعضاء عدلیه هم بیرون میرفتند.

حقوق

اعضاء و اجزاء عدلیه حقوق نداشتند ولی اکثر آنها هر کدام بفراخور حال خود مواجب و مستمری دولتی دارا بودند فقط چند نفری بر حسب حکم وزیر عدلیه از محل ده يك و ده نیم چند تومانی دریافت میداشتند.

مخارج حکم و اجرای حکم

از متداعیین بعنوان خرج محاکمه چیزی مطالبه نمیشد لیکن بعد از صدور حکم ده يك مبلغ محکوم به از محکوم له و ده نیم از محکوم علیه دریافت میگردد. ده يك متعلق بوزیر عدلیه و ده نیم متعلق بمتصدیان و مجریان احکام بود.

برای مخارج سفره و آبدارخانه از طرف دولت سالی دوازده هزار تومان از محل مالیات کرمان بوزیر عدلیه پرداخته میشد. احکام دیوانخانه اگرچه اسماً قطعی بود و استیفاء و تمیز نداشت ولی اکثر آن احکام خصوصاً در مورد اموال غیر منقوله چندین بار رسیدگی میگردد هر وزیر عدلیه که تغییر میکرد مدعی بوزیر عدلیه جدیدتظلم و مجدداً تحت رسیدگی واقع میگردد. این ترتیب تا اوایل صفر ۱۳۲۵ که مصادف اول فروردین ۱۲۸۶ بود ادامه و در این موقع وزیر عدلیه تغییر و شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما بوزارت عدلیه معین شد.

نگارش مهدی یوسفزاده

رئیس قسمت آمار قضائی

يك گام بزرگ بسوی استقلال قضات

یا احترام بقانون اساسی

حضرت امیر ع میفرماید :

در آن موقع که محکمه عدالت به دور حکم تصمیم میگردد باید، چون کوهی آهنین محکم و نظیر شمشیر هندی برنده و قاطع باشد و هرگز جائز نیست که محکمه در قزای خویش دستخوش تردید و حیرت گردد.

آری این اصل کلی را جهان متمدن پذیرفته و قبول دارد که قاضی بایستی همچون کوهی آهنین و سدی سدید باشد تا از تندبادهای این و آن نلرزد. افکار مغرضین و حادثه جریان در احکام او اثر نبخشد. باشد که آنگاه بتواند حقوق بیچارگان ضایع نسازد.

قاضی که بایست مقدرات این و آن تعیین کند جانی را بچوبه دار و بیگناه را